



هدف‌های تربیت اسلامی

اساس طبقه‌بندی

مگر اینکه نخواهد حقیقت را بما بگوید که در این صورت باز هم هدفی دارد، اما از ما پوشیده نگه میدارد. وقتی فرد از خانه خارج میشود تا میوه بخرد، هدفش میوه خریدن است و اگر دوباره

در هر کدام از فعالیت‌هایی که انسان با اراده انجام میدهد هدفی میتوان یافت. از هر فرد وقتی بپرسیم چه می‌کند یا تصمیم داری چه کنی پاسخی را که میدهد نشان دهنده هدف اوست،

میوه را میخواهد بخرد میتوان گفت دو هدف دارد. گاهی هدف انسان مسافرت یا تحصیل دانشگاهی است که در اینصورت میتوان گفت یک هدف دارد ولی هرکدام از این دوهدف را میتوان به صدها و هزارها هدف کوچکتر تقسیم نمود. و همه را بترتیب برشمرد. و ترتیب دادن ممکن است برحسب زمان، مکان یا دوری و نزدیکی به دسترسی ما باشد. برعکس چندهدف کوچک کوچک را میتوان در یک مجموعه قرارداد و نامی کلی تر بر آنها نهاد.

دستوراتی که از سوی خداوند و شارع بزرگوار اسلام بر ما تعیین شده بعضی شان رفتاری جزئی و محدود است و بعضی بسیار وسیع و فراگیر. مثلا "در یک مورد دستور داده میشود (۱) ای اهل ایمان وقتی بشما گفتند که در مجالس جا را برای یکدیگر باز کنید، حرف خدا را بشنوید تا خداوند بر توسعه (مکان و منزلت) شما بیفزاید: و در جای دیگر میفرماید (۲): ای کسانی که ایمان آوردهاید (به زبان) ایمان آورید (به حقیقت و ازدل) به خدا و رسول و به کتابی که بر رسول خود فرستاد (قرآن) و کتابی که پیش از این فرستاده شد....

مورد اول که گشایش جا برای نشستن شخص وارد هر مجلس است، رفتاری اخلاقی و موردش محدود و معین است و شاید ماهی یکدفعه مورد پیدا کند، اما دستور دوم، ایمان آوردن قلبی است که مشتمل بر ایمان به خدا و رسول و کتاب و وحی و قیامت و همه رفتارهای اجتماعی از بیع نکاح و مالکیت و حتی خوردن و آشامیدن است. که امری عام، کلی و همیشگی بوده و بر هر رفتار ارزشمندی شمول دارد. و بلکه اینگونه ایمان مبنای همه ارزشها اعم از اعتقادی و عملی است.

این هر دو یعنی جادادن و ایمان آوردن مومنان می توانند بعنوان دو هدف بیان گردند به این شرح که بگوئیم استقرار این رفتار (جاگشودن) هدف تربیت اسلامی درنشته، برخواست و مجلس تشکیل دادن است. و در مورد دوم بگوئیم ایمان آوردن قلبی مؤمنان، هدف تربیت اسلامی است. بنابراین بر حسب کلیت و جزئیت میتوان هدفها را طبقه بندی کرد.

میتوان یک هدف دیررس فراگیر را به اهداف کوچکتر تقسیم نمود. مثلا "وقتی میگوئیم هدف تربیت اسلامی تهذیب نفس است، مهلکات نفسانی را یک بیک برمی شماریم از اینقرار: بخل، حسد، سلطه گری، پول پرستی، مقام پرستی، شهرت خواهی، لذات جنسی و... هم اکنون می گوئیم یکی از هدفهای تربیت اسلامی زدودن بخل، دیگری خودداری از پول پرستی و غیره است.

ممکن است تهذیب نفس را مشتمل بر استقرار کمالات و پادمنجیات در نفس بدانیم و آنها را عبارت از، سخاوت، شجاعت، عفت، عدالت و غیره بدانیم. آنگاه می گوئیم یکی از هدفهای تربیت، ایجاد صفت شجاعت در کودکان و نوجوانان است.

همچنین هر کدام از صفات عفت و عدالت را میتوان به اجزاء و عناصر دیگری منقسم نمود و آنگاه مثلا " بگوئیم عفت شامل عفت کلام، چشم، گوش، مستور داشتن پوست بدن و غیره است. و سپس بگوئیم از هدفهای پرورشی اسلام اینست که مرد و زن مسلمان چشم خود را از نگاههای ممنوع نگه بدارند.

باتوجه به مثالها و موارد فوق میتوان گفت که هدفهای تعلیم و تربیت بسیار اند و هزاران هدف

تربیتی میشود برشرد، اما برای سهولت در آموزش یادرگفتگو آنها را به دسته‌های طبقه بندی می‌نمایند. بایصورتی خیلی جامع نام می‌برند که مثلاً "هدف تربیت اسلامی قائل شدن به وحدانیت ذات اقدس الهی است. در اینصورت بقیه معتقدات و اعمال فرع برآن یا شاخه‌های آن خواهند بود.

اینک برای طبقه بندی هدفهای تربیت اسلامی میتوان اساس یا اصولی قائل شد و برحسب آن اصول هدفها را برشرد:

۱- آخرت و دنیا: در تربیت اسلامی هدف از فعالیتهای بیشتر از آنچه ناهمین رفاه دنیا باشد ناهمین سعادت در زندگی اخروی است. وزندگی اصیل و جاودانه، زندگانی آخرت است وزندگی دنیا نسبت به آخرت بازچه‌شمرده شده. خداوند می‌فرماید: (۳) دنیا جزبازچه و باز دارنده ازمهمات چیزی نیست، وسرای دیگربرای اهل تقوی نیکوتر است آیا تغفل (در این گفتار) نمی‌کنند: بنابراین مؤمن آخرت بین است و در هر کدام از افعال و افکار و امیال خود توجه دارد که چیزی به آخرت او آسیب نرساند و فکر و عملی که مانع سعادت اخروی است بر قلب و دماغ و دست او نرود. و در دنیا بکاری که نفع مستقیم یا غیر مستقیم اخروی در بر نداشته باشد مبادرت نکند. و از اشتغال به هر لغو یا بعبی که ویرا از فکر قیامت و معاد منصرف گرداند بپرهیزد.

هدف آموزش در دین در مدارس در این رابطه اینستکه، معلم نوجوانان را به معاد معتقد کند و هر چه ممکن است به وقوع حشرونشر و میزبان و ثواب و عقاب آشنا گرداند و به سخن قرآن و احادیث که در مورد دارالآخره رفته است مطلع

نماید تا شاگرد از تردید درباره قیامت بدرآید و آنرا دارالقرار بداند. معلم در این رابطه ترس شاگرد را از مرگ ندریجا " گاهش دهد و مرگ را امری حتمی و بصورت یک ارتحال از جهانی بزمضيقه و محدود و کم دوام، به دنیائی پر وسعت و نامحدود و ابدی، برای او ترسیم نماید.

اگر معلم به ظرافت عمل کند، و خودش تقوای الهی را در نفسش جایگزین نموده باشد، اکثریت شاگردان به مرحله ای میرسند که مرگ در راه خدا را حیات می‌شمرند، مرگی را که برخی مردم به نام دیو مرگ، عفریت مرگ، کابوس مرگ، و دژخیم و ... معرفی کرده اند به عنوان هجرتی به حق و بسوی خدا و بعنوان بیعی سود آور که دادن دنیا و گرفتن آخرت است، و بعنوان راه گریز و مفری از دنیای گذرا و دلفریب به جهانی مستدام و حقیقی تلقی می‌کنند و هم در سنین جوانی مرگ در راه خدا را که شهادت است استقبال می‌کنند، چونانکه در انقلاب اسلامی اخیر ایران به رهبری امام خمینی جوانان ایران در کسوت مقدس پاسداری از اسلام با جان دفاع کردند و بر جملگی هواها و هوسها و جوانیها گام نهادند که خدا فرمود (۴) ممیرید مگر اینکه مسلمان باشید. نوجوانان سالهای آخر دبستان نیز آمادگی دارند که مرگ در راه خدا را بشناسند و بفهمند و ترس خود را زائل کنند، و با اعتقاد به قیامت و معاد رفتار خود را بر وجه صحت و منطق با موازین قرار بدهند. و این سخن‌گرافی نیست که عده ای بدان تردید کنند و غیر ممکن بدانند. و یا کاری ممکن، اما بمنزله کشتار استعدادات کودکان دبستانی تلقی کنند. اولاً " کاری قابل تجربه است باین

معنی که اگر معلمی خودش معتقد به معاد ، و آماده برای جهاد در راه خدا باشد، میتواند کودکان را از طریق آموزش ظرف چند ماه هم آشنا به مشخصات معاد و زندگی بازپسین گرداند و هم از حیث روانی آنها را بنحوی آمادگی دهد و شجاع گرداند که از مرگ نهراسند، بلکه حتی بدان انس گیرند. و در مراحل پیشرفته تر شائق بسه شهادت در راه خداوند و اسلام بشوند و این

ریاضی هم ندارد. زیرا اسلام صریحا "به جهان شناسی و اتکاء به محسوسات و بکارگرفتن حواس و اندازه گیری ها و محاسبات امر می کند. از سوئی اعتقاد به قیامت برزندگی همین دنیای انسان اثر می نهد و تربیت کننده است، برخی از نتایج آن از این قرارند :

الف - فرد می کوشد که زیاد به مردم آزار نرساند چون در قیامت به کیفر میرسد.



آمادگی در جای خود تربیت است. این مسأله که هدف تربیت را زندگی بازپسین بدانیم برای عده زیادی از مردم جهان قابل قبول نیست. زیرا به ما وراء الطبیعه و وحی و عالم مجرد که به تجربه حسی و آزمایشگاهی نمی گنجد اطمینان نمی کنند. این اعتقاد از ویژگیهای خاص اسلام و مذاهب آسمانی دیگر است. اعتقاد به قیامت منافاتی با ترقیات علمی و

ب - انسان می کوشد که به کار صواب مبادرت کند تا در قیامت به اجر برسد. ج - از پوچ گرائی پیشگیری می کند، زیرا انسان بجهدانی برتر توجه دارد، و کارهای این دنیا را اگر چه تکراری تصور شوند با هدف میداند و عبث فرض نمیکند (۵) و در قرآن کریم می فرماید: آی گمان می کنید که شمارا بیهوده خلق کردیم

بسوی ما باز نمی گردید؟

د - از لذت جوئی بسیار که نتیجهاش تجاوز کاری واستثمار دیگرانست خودداری می کند .

ه - وقتی انسان زندگی بازپسین راهدف قرار داد تحمل دشواریهای زندگی امکان پذیرمی شود وخودش نوعی لذت است . واگر دنیاگرا همه بدنیاال تامین لذات دنیاوی است - فرد قیامتگرا هم از لذت بی بهره نیست ، زیرا اگر بخشی از لذت مربوط به اشیاء وامور وامکانات خارجی است ، بخشی از آن هم مرتبط بادرون ونفس انسانست که طالب چه چیز می باشد ، وجه چیز را حقیقی می داند .

بعضی علمای غیرمسلمان هم بنحوی از مرگ نام بردهاند ونشان میدهد که آنرا چاره ناپذیر می دانند . مثلاً " فروید می گوید هدف هرزندگی مرگ است (۶) ودربرابر زندگی که امری عارضی و بی ثبات است مرگ را شامل سکون وآرامش معرفی می کند . ازظاهر این گفتار برمی آید که مرگ را پایان زندگی میداند .

از اینکه خودرا برای مردن آماده سازید دو برداشت میتوان داشت . یکی اینکه دل به مرگ دهید و زیاد تلاش ببهوده نکنید ودنیارافانی بدانید که این تعبیر رخوت وتنبلی و ناامیدی می آورد .

برداشت دیگر اینستکه توای انسان خلیفه خدا درزمین هستی پس آبادانی کن ، جهان را نیکوتر بشناس . عبودیت حق کن . نفس خودرا تزکیه نمای . کمخدمت به مؤمنان که برادرت هستند بریند . باشرک که سرآغاز ستمگریهاست پیگارکن . از دوستی دنیا که راس هرخطاکاری است چشم ببوش (۷) که آخرت بهتر وجاودانه

است (۸) . این تعبیر ونگرش بمعاد ، متناسب بااسلام است . ودربرتو آنستکه کوشش شبانه روزی ودائمی درهرنوعی ازساخت وعمل تولیدی و سازنده ، حاصل می گردد . واینگونه تغییرات که هم درنفس فرد وهم دراجتماع درسایه اعتقاد به معاد پدید می آید مطلوب تربیت اسلامی است وهدف آنست .

مم

(۱) مجادله ۵۸
یا ایها الذین امنوا اذاقبل
۱۰

لکم تفسحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم
(۲) نساء ۴
یا ایها الذین امنوا امنوا بالله و
۱۳۵

رسوله والکتاب الذی نزل علی رسوله ...
(۳) انعام ۶
وما الحیوة الدنیا الالعب ولهو
۳۲

وللدار الاخرة خیر للذین یتقون اقلات تعقلون

(۴) بقره ۲
فلا تموتن الا وانتم مسلمون .
۱۳۲

(۵) مؤمنون ۲۳
افحسبتن انما خلقناکم
۱۱۵

عبنا وانکم الینا لاترجعون .

(۶) کتاب نظریه های شخصیت صفحه ۲۸

(۷) حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ

(۸) اعلیٰ ۸۷
وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْغَى
۱۷